

کارآفرینی و رسالت دانشگاه

سید ابوالفضل علوی*

چکیده

در دهه جاری جمعیت فعال کشور از مرز شصت میلیون نفر خواهد گذشت و جامعه ما به ایجاد حدود ۱۰ میلیون واحد شغلی نیازمند است. لذا در حال حاضر با توجه به این حقیقت که بزرگترین چالش اقتصاد ایران بحران بیکاری است از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف دولت اشتغال‌زایی و کارآفرینی است. بالاخص، آموزش‌های کشور در جهت سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اخیر آن به سمت تحقیقات و فناوری رسالتی مضاعف در زمینه کارآفرینی دارد. قابل توجه است که در آمریکا ۸۱٪ مشاغل، طی سال‌های ۱۹۶۹ - ۱۹۷۶ توسط شرکت‌های خصوصی ایجاد شده که نشان دهنده عدم کارآیی نظام‌های اداری دولتی در روند اشتغال‌زایی است و برآشاس مطالعات انجام شده در این کشور طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۵ حدود ۱۸٪ مشاغل ناشی از تأسیس کسب و کار جدید بوده است. لذا رویکرد مسائل آموزشی به بحث کارآفرینی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه علمی کشور است که به شناسایی و پرورش استعدادهای کارآفرینان پرداخته و پستر مناسب جهت اشتغال‌زایی در جامعه را فراهم می‌سازد. به نظر بسیاری از افراد صاحب‌نظر کارآفرینی موتور تغییرات اجتماعی است و حیات نظام‌های اقتصادی در تخریب بنیادهای کهن و ناکارآمد و جایگزینی آن‌ها با نهادهای کارآمد و نوین است. کارآفرینان افرادی مخاطره‌پذیرند که به واسطه نوآوری در منابع، روش‌ها، سازمان، محصولات و مخصوصاً بازاریابی‌های جدید فرایند تخریب خلاق را در درون نظام‌های اقتصادی انجام داده و باعث رشد و توسعه اقتصادی و تجدید حیات ملت می‌شوند.

به‌رغم اهمیت موضوع در جامعه دانشگاهی، بحث کارآفرینی و ایجاد رشته‌های مربوط تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته و این در حالی است که امروزه فقط در آمریکا و کانادا در بیش از ۵۰۰ دانشکده، رشته‌های آموزش کارآفرینی فعال است. اهمیت مسئله «کارآفرینی» باعث شده تا علاوه بر اقتصاددانان، روانشناسان و جامعه‌شناسان نیز آن را مورد بررسی قرار دهند. به هر تقدیر در سال‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه این وفاق ملی شکل گرفته که بحران بیکاری بجز از طریق توسعه کارآفرینی و دمیدن روح نوآوری در کالبد اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

کلید واژه

کارآفرینی، کارآفرین، کارآفرینی سازمانی، آموزش، دانش تولید، نوآوری و خلاقیت، تحقیقات کارآفرینی.

مقدمه

مطالعه بحث کارآفرینی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه است و لازم است تا کلیه استادان، محققان و مدیران در سطح کلان و ملی با آن آشنا شوند و دانشگاه‌ها دوره آموزشی «کارآفرینی» را در دستور کار خود قرار دهند؛ هرچند که در حال حاضر فقط در کانادا و آمریکا بیش از ۵۰۰ دانشکده، رشته‌های آموزشی کارآفرینی را دایر نموده‌اند که در بعضی از دانشکده‌ها بیش از ده گرایش پیرامون کارآفرینی موجود است. بحث کارآفرینی با توجه به اهمیت آن در ابعاد مختلفی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است: اقتصاددانان به کارآفرینان به عنوان عامل تحول جامعه، ایجاد کسب و کار جدید و به طور کلی رشد اقتصاد و سودآفرینی آنان توجه دارند و از کارآفرینان به عنوان موتور توسعه اقتصادی نام می‌برند و معتقدند هستند که امروزه نقش «کارآفرینان» در توسعه اقتصادی از «سرمایه» بیشتراست. روانشناسان خصوصیات ویژه و روانشناختی کارآفرینی را مطالعه و توجه خود را به این نکته معطوف کرده‌اند که «کارآفرین کیست و چگونه کارآفرینی می‌کند؟». جامعه‌شناسان ابعاد و تبعات اجتماعی کارآفرینی را بررسی نموده و معتقدند که نیروی محرکه کارآفرینان انگیزه‌های درونی و شخصی آن‌هاست که طی دوران زندگی، با تأثیرپذیری از محیط پیرامون خود تقویت می‌شوند. علم جامعه‌شناسی، کارآفرینی را یک فرایند اجتماعی می‌داند که در آن کارآفرین به عنوان عنصر مسئول اجتماعی و خطرپذیر در محیط بی‌ثبات اجتماعی عمل می‌کند.

* استادیار

نشانی: سبزوار، دانشگاه تربیت معلم، تلفن: ۲۶۴۵۵۳۷

E-Mail: saalavi@mail.com

دورنگار: ۰۵۷۱)۲۶۴۱۹۵۰

این مقاله ضمن بررسی سیرتاریخی موضوع کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان، به بررسی دوره‌های آموزشی و تحقیقات انجام شده در این زمینه پرداخته است. در خاتمه اهم وظایف و رسالت دانشگاه‌ها و اقدامات عملی را که برعهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است متذکر شده است.

مفهوم کارآفرینی و بررسی سیر تاریخی موضوع

در تعریف مفهوم کارآفرینی هر محقق با توجه به زمینه تخصصی خود به آن موضوع نگرسته است. اقتصاددانان بیشتر نقش‌های کاربردی کارآفرین را مورد توجه قرار داده و جامعه‌شناسان و روانشناسان ابعاد فرهنگی و اجتماعی تأثیرات محیط بر فرد و ویژگی‌های شخصی کارآفرینان را بررسی کرده‌اند. لذا تعاریف متفاوتی از دیدگاه‌های گوناگون برای آن ارائه شده است. واژه کارآفرینی ترجمه کلمه فرانسوی «Entrepreneur» به معنای «متعهد شدن» است که در زبان انگلیسی به آن «Entrepreneur» نیز گفته می‌شود. اصطلاح کارآفرین به کسی اطلاق می‌شود که متعهد می‌شود، مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند.

همچنین در فرهنگ وبستر Entrepreneur این‌طور تعریف شده است: کسی که سازمان می‌دهد، اداره می‌کند و مخاطرات بعدی یک سرمایه‌گذاری و یا یک طرح را می‌پذیرد.^۱

اقتصاددانان نخستین کسانی بودند که در نظریه‌های اقتصادی خود به تشریح کارآفرین و کارآفرینی پرداختند و از قرن شانزدهم میلادی تاکنون تقریباً کلیه مکاتب اقتصادی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. ژان باتیست سی^۲ درباره کارآفرینی می‌گوید: کارآفرین عاملی است که تمامی ابزار تولید را ترکیب می‌کند و مسئولیت ارزش تولیدات، بازیافت کل سرمایه هزینه شده و سود و یا زیان حاصل از آن را برعهده می‌گیرد[۱]. ژوزف شومپتر^۳ کارآفرین را نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی می‌داند و می‌گوید: نقش کارآفرین نوآوری است[۲]. از دیدگاه وی ارائه کالایی جدید، ارائه روشی جدید در فرآیند تولید، گشایش بازاری تازه، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت... از فعالیت‌های کارآفرینان است[۳].

هرچند که طی قرون متوالی (۱۹-۱۶ م.) موضوع کارآفرینی در صدر نظریه‌های اقتصادی مطرح بود و از کارآفرینان به عنوان

موتور توسعه اقتصادی نام می‌بردند، اما از اواسط قرن بیستم (۱۹۷۰-۱۹۳۰) بحث کارآفرینی در اندیشه اقتصادی کم‌رنگ شد. عده‌ای منشأ کم‌رنگ شدن مبحث کارآفرینی را جایگزینی واژه «سرمایه‌داری» به جای «کارآفرینی» توسط آدام اسمیت می‌دانند؛ برخی ایفای نقش کارآفرینی توسط دولت و عده‌ای استفاده از شیوه‌های آماری و ریاضی در تحلیل اقتصادی را دلیل این امر می‌دانند[۴].

اخیراً با توجه به پایه‌گذاری مکتب جدید در تفکرات اقتصادی که براساس «رفتارشناسی» بنا نهاده شده مجدداً به نقش کارآفرین در اندیشه‌های اقتصادی توجه بیشتری شده است. مایسز^۴ (۱۹۶۶) پایه‌گذار مکتب جدید که به آن «مکتب نوین اتریش»^۵ می‌گویند، معتقد است: «اقتصاد عبارت است از گردآوری و ترتیب منظم همه اطلاعات تجربی در باره رفتار و عمل انسان». او می‌گوید: کارآفرین، انسانی است که نسبت به تغییرات در اطلاعات بازار حساس است، کارآفرین تمام هوش و آمادگی خود را برای اختراع به کار می‌گیرد، او یک عامل اقتصادی است که تکامل فرایند اقتصادی را پیش برده و ارتقا می‌بخشد. از نظر مایسز کارآفرین از انرژی و قدرت فکری بالاتری نسبت به دیگران برخوردار است[۵].

کیرزنر (۱۹۸۲) نیز که از استادان اقتصاد دانشگاه نیویورک است، از طلابه‌داران مکتب نوین اتریش است. او کارآفرینی را این‌گونه تشریح می‌کند: «کارآفرینی یعنی ایجاد سازگاری و هماهنگی متقابل بیشتر در عملیات بازارها»[۶]. توجه مجدد به کارآفرینی در اندیشه‌های جدید که بر رفتارشناسی افراد استوار است، باعث شده تا برای تحلیل کارآفرینی علاوه بر دیدگاه اقتصادی از مقوله‌های دیگری چون روانشناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت نیز استفاده شود.

۱
اقتصاددانان نخستین کسانی بودند که در نظریه‌های اقتصادی خود به تشریح کارآفرین و کارآفرینی پرداختند و از قرن شانزدهم میلادی تاکنون تقریباً کلیه مکاتب اقتصادی آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان

همان‌گونه که اشاره شد، اقتصاددانان بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی کارآفرینی توجه داشتند. و در نتیجه از ویژگی‌ها و عوامل فردی و اجتماعی که به طور مثبت و منفی بر کارآفرین تأثیر می‌گذارد غافل بودند و آن‌ها را خارج از حیطه مطالعات خود می‌دانستند، لیکن در سال‌های اخیر محققان از جنبه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی به مطالعه کارآفرینی پرداخته‌اند. روانشناسان ویژگی‌های فردی کارآفرینان را بررسی می‌کنند. از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد جامعه‌شناسان و روانشناسان مطالعات دیگری تحت عنوان «رویکرد رفتاری»^۱ را نیز مورد توجه قرار دادند. در واقع در این رویکرد، فعالیت کارآفرین، دلایل و چگونگی تشکیل یک کسب و کار جدید و فرایندی که طی آن شرکت‌های جدید پا به عرصه وجود می‌گذارند را بررسی می‌کنند. دیوید مک کله‌ند^۲ از استادان روانشناسی دانشگاه هاروارد امریکا که اولین بار «نظریه روانشناسی توسعه اقتصادی» را مطرح نمود، معتقد است که عامل عمده عقب‌ماندگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مربوط به عدم درک خلاقیت فردی است. او معتقد است که با یک برنامه صحیح تعلیم و تربیت می‌توان روحیه کاری لازم را در جوامع تقویت نمود، به گونه‌ای که شرایط لازم برای صنعتی شدن جوامع فراهم آید [۷]. همچنین مطالعات صورت گرفته تاکنون نشان می‌دهد که کارآفرینی یک فرآیند تکاملی انسانی است و بسیاری از افراد در صورت خواستن می‌توانند کارآفرینی کنند.

کارلند^۳ و همکارانش انواع ویژگی‌هایی که از بدو امر تا سال ۱۹۸۴ درباره کارآفرینان بررسی و تایید شده بودند، جمع‌آوری نمودند [۸]. که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱- نیاز به توفیق: نیاز به توفیق عبارت از تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت‌های رقابتی است. امروزه این حقیقت ثابت شده است که با آموزش دادن می‌توان نیاز به توفیق در افراد را تقویت نمود، به ویژه والدین در تقویت این نیاز در دوران کودکی تأثیر به‌سزایی دارند.

۲- مرکز کنترل درونی: افراد با مرکز کنترل بیرونی معتقدند که وقایع خارجی غیرقابل کنترل، سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کنند، در حالی که کارآفرینان به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشت، شانس یا نیروهای مشابه نسبت

نمی‌دهند و خود را عامل اصلی شکست‌ها و پیشرفت‌های خود می‌دانند.

۳- تمایل به مخاطره‌پذیری: هرچند عموماً کارآفرینان را عاشق مخاطره می‌دانند که ویژگی مشترک آن‌ها مخاطره‌پذیری است، لیکن تحقیقات نشان می‌دهد که کارآفرین نوعاً چنین نیست، بلکه او در اقدام به مخاطره بسیار حساب شده و با دقت عمل می‌کند و تمام تلاش خود را انجام می‌دهد تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهد.

۴- نیاز به استقلال: فرای^۴ معتقد است که ویژگی بارز کارآفرین، سلطه‌جویی درونی و استقلال عمل اوست. سلطه‌جویی درونی بدین معنی است که فرد احساس کند، بر سرنوشت خویش حاکم است [۹].

۵- خلاقیت: خلاقیت، توانایی خلق ایده‌های جدید است که این ایده‌ها ممکن است به خدمات یا محصولات جدیدی منجر شود. برای تعریفی دقیق از خلاقیت، باید ابتدا جایگاه نوآوری مشخص شود. نوآوری در واقع ارائه محصول، فرایند و خدمات جدید به بازار است و خلاقیت نیرویی است که در پس نوآوری نهفته است. نوآوری و خلاقیت از اجزای لاینفک کارآفرینی به‌شمار می‌روند. وجود نوآوری در کارآفرینی به قدری ضروری است که می‌توان ادعا نمود: کارآفرینی بدون آن وجود ندارد، همچنان‌که خلاقیت بدون نوآوری، بی‌نتیجه است [۱۰].

بررسی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی پیرامون

«کارآفرینی» و رسالت دانشگاه‌ها

تحول در نحوه ارتباط جهانی موج تازه‌ای از تغییرات بنیادین در کلیه زمینه‌ها به ارمغان آورده است، بر اثر این تحولات، زندگی در ابعاد بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر از پیش به دانش و فناوری اطلاعات متکی شده است؛ مشاغل «علم محور» گشته‌اند. لذا، برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارآفرینان از اهمیت خاصی برخوردار است. وسپر^۵ معتقد است: احتمال شکست کارآفرینانی که تجربه دارند، اما تحصیلات ندارند، زیاد است. برعکس کارآفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده‌اند، کاملاً موفق‌اند [۱۱]. از نظر گیب^۶ مهم‌ترین عامل رویکرد به مسائل آموزشی در بحث کارآفرینی، عدم کارایی نظام اداری دولتی در روند اشتغال‌زایی است و اینکه شرکت‌های کوچک

سهم بیشتری را در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و استخدام افراد دارند [۱۲]. به عنوان نمونه طی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۶ حدود ۸۱٪ مشاغل در امریکا توسط شرکت‌های کوچک خصوصی ایجاد شده است [۱۲].

دیوید مک کله‌لند (۱۹۷۹) از جمله محققانی بود که دوره‌های آموزشی را برای کارآفرینان طراحی کرد و اولین دوره‌های آموزشی را برای بازرگانان ارائه داد و نتایج مثبتی نیز به دست آورد. امروزه دوره‌های آموزشی کارآفرینی نه تنها جای خود را در دانشگاه‌ها باز کرده بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی گرفته تا دبیرستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. در برنامه‌های آموزشی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، هدف آگاهی و جهت‌گیری به سوی کارآفرینی است. در این دوره‌ها سعی می‌شود تا علاوه بر افزایش آگاهی، به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی برای تمام اقشار اجتماعی نگریسته شود و انگیزه و تمایل دانش‌آموزان برای کارآفرین شدن تقویت گردد. موضوع کارآفرینی تا سال ۱۹۹۰ به عنوان یکی از مهمترین موضوعات در دانشکده‌های مهندسی و بازرگانی دانشگاه‌های کشورهای صنعتی تبدیل شد. تعداد دانشکده‌هایی که رشته‌های مربوط به کارآفرینی را تدریس می‌کنند به بیش از ۵۰۰ دانشکده افزایش یافته است. وسپر^{۱۱} (۱۹۹۳) می‌گوید: امروزه کمتر دانشگاهی است که تنها یک دوره تخصصی در زمینه کارآفرینی ارائه دهد. در بیشتر دانشکده‌ها فهرست کاملی از دوره‌های آموزشی در خصوص کارآفرینی تهیه و ارائه می‌گردد [۱۳]. هرچند دوره‌های آموزشی کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها در کشورهای صنعتی به سرعت در حال افزایش است، اما در کشور ما هنوز، نه تنها این رشته‌ها راه‌اندازی نشده، بلکه تحقیقات لازم در این زمینه نیز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. شاید بتوان گفت اولین گام در زمینه بحث کارآفرینی در کشور توسط سازمان سنجش آموزش عالی کشور در سال ۱۳۸۰ برداشته شده است که طی آن سازمان مذکور آیین‌نامه پیشنهادی خود را برای طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد) ارائه داد. در این آیین‌نامه پیشنهادی شورای مرکزی کارآفرینی با حضور پنج وزیر، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، رئیس سازمان سنجش، ... ویا نمایندگان تمام‌الاختیار آن‌ها تشکیل می‌شود که وزیر علوم،

تحقیقات و فناوری ریاست آن را بر عهده دارند. شورای فوق جهت اجرای اهداف خود ایجاد کمیته‌های کارآفرینی را در دانشگاه‌های منتخب پیش‌بینی می‌کند.

هرچند آموزش و پژوهش پیرامون کارآفرینی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری امری ضروری است و آموزش ابزاری برای ایجاد کار توسط علاقه‌مندان بسیار سودمند است و امروزه اکثر فارغ‌التحصیلان رشته‌های مدیریت بازرگانی، مهندسی، بازاریابی، اقتصاد کارآفرینی، برخلاف سایر رشته‌ها ترجیح می‌دهند خود شغلی را ایجاد نمایند تا اینکه در جایی استخدام شوند، اما این امر کافی نیست. در جامعه فعلی ما که اقتصاد ایران نیازمند سالانه ۷۵۰ هزار فرصت شغلی جدید است به یک برنامه ملی کارآفرینی نیاز است که در آن علاوه بر فعالیت‌های پیش‌بینی شده در وزارت علوم موارد زیر نیز مورد توجه قرار گیرند.

۱- مراکز غیردولتی جهت آموزش افراد برای کسب و کار جدید ایجاد شود،

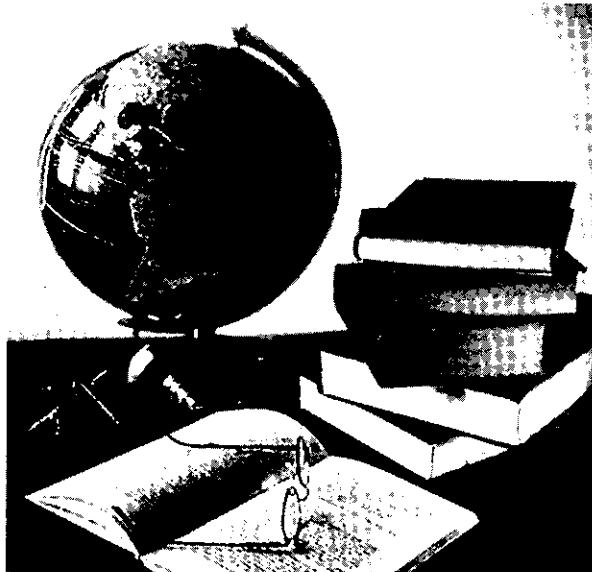
۲- از تجربیات سایر کشورها در زمینه کارآفرینی استفاده شود. بالاخص برگزاری دوره‌های آموزشی مشترکی با کشورهای موفق.

۳- نظام‌های حرفه‌ای و صنفی تقویت شوند تا با استفاده از آن‌ها امکان آموزش و آشنایی با مشاغل گوناگون برای طیف وسیعی از افراد جامعه فراهم شود،

۴- ایجاد مؤسسات تحقیقاتی اقتصادی که امور مربوط به کارآفرینی را بالاخص در خارج از حوزه نظارتی آموزش عالی برعهده گیرد،

۵- حمایت مالی از افرادی که خواهان ایجاد یا گسترش مشاغل کوچک هستند که این امر در سال ۱۳۸۱ مورد توجه دولت قرار گرفته است.

جهت روشن شدن موضوع در اینجا به ذکر پاره‌ای از تحقیقات انجام شده می‌پردازیم: اولین پژوهشگری که به طور جدی به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات پیرامون کارآفرینی پرداخت، پائولین^{۱۳} بود که ۸۱ مقاله و کتاب‌های منتشر شده تا سال ۱۹۸۲ را بررسی کرد [۱۴]. وی با ارائه روش‌شناسی تحقیقات سعی نمود، وضعیت زمینه مطالعاتی مرتبط با کارآفرینی را بررسی نماید. پائولین چهار روند را در تحقیقات کارآفرینی



مشخص نمود. روند نخست، مطالعات ویژگی‌های روانشناختی و جامعه‌شناسی شخصیت و رفتار کارآفرینان است. روند دوم، فرایندهای کارآفرین درخصوص شرکت‌های نوپا و روند سوم، طبقه‌بندی ارتباط کارآفرینی با جامعه است. نامبرده بخش آخر تحقیقات خود را به روند آموزش و پژوهش و نقش دولت در کارآفرینی اختصاص داده است. بعد از وی ورتمن^{۱۴}، چرچیل^{۱۵} و لوئیس^{۱۶} بیش از ۳۴۰ مقاله منتشر شده در نشریات و ۱۵۰ مقاله ارائه شده در کنفرانس‌های مختلف طی سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۱ را بررسی نموده و نتیجه‌گیری کرده‌اند که تأکید اصلی در تحقیقات بر نظریه استقرایی (از جزء به کل) است و مطالعات موردی سبب شده است تا بافت تاریخی بر تحقیقات حاکم گردد [۱۶-۱۵].

آن‌ها برای ارزیابی کارآفرینی دو زمینه سیاست شرکت‌ها و بازاریابی را مطالعه کرده و اعلام نمودند که دسته‌ای از محققان دانشگاه‌ها در این زمینه علم را به خاطر علم دنبال می‌نمایند. دسته‌ای دوم سعی در استفاده از کاربرد دانش جهت حل مشکلات جامعه دارند. دسته سوم که شدیداً تجربه‌گرا هستند، با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند اصول و مبنای ثابتی را برای درک نظریه‌ها ارائه نمایند، اما از سوی دیگر باز خورد لازم را درخصوص میزان صحت نظریه‌ها دریافت می‌کنند.

هوارد آلدريج^{۱۷} (۱۹۹۲) نیز به تبعیت از محققان فوق حدود ۳۲۲ مقاله مربوط به کارآفرینی را که طی سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ منتشر شده بود، بررسی کرد. وی مطالعات خود را در سه بعد روش تحقیق، حوزه مطالعاتی و طرح تحقیق و فن تحلیل انجام داد. به نظر می‌رسد، آگاهی از شیوه‌های تحقیقاتی مختلف و اینکه کدام دیدگاه را باید نسبت به کارآفرینی انتخاب نمود، می‌تواند برداشت‌های متفاوتی را در ذهن ایجاد نماید. از نظر وی عدم استفاده محققان از شیوه‌های آماری پیشرفته مشکل اصلی تحقیقات تا سال ۱۹۹۰ بوده است [۱۷].

کارآفرینی، اولویت دولت و رسالت دانشگاه

با توجه به مباحث فوق و این حقیقت که اشتغال‌زایی و کارآفرینی از اولویت‌های دولت است و آموزش عالی کشور با توجه به سیاست و جهت‌گیری‌های اخیر آن به سمت تحقیقات و فناوری در کشور رسالتی مضاعف برعهده دارد. اهم وظایف و رسالت دانشگاه‌ها در زمینه کارآفرینی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

الف - طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی در زمینه کارآفرینی مورد توجه جدی‌تر قرار گیرد.

ب - ایجاد دوره‌های آموزش کارآفرینی در مقاطع تحصیلی مختلف به ویژه راه‌اندازی رشته‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها، که به عنوان نمونه می‌توان از رشته‌هایی مانند کارآفرینی سازمانی، اقتصاد کارآفرینی، توسعه و آزمایش مفهوم کارآفرینی، بازاریابی، مدیریت تولید و توسعه و تأسیس شرکت‌های جدید نام برد. بدیهی است که رشته‌های آموزشی فوق شامل یک بخش عمومی و بخش‌های تخصصی متفاوت است و ایجاد رشته‌های کارآفرینی باید در دستور کار دانشکده‌های مهندسی، مدیریت و اقتصاد و بازرگانی قرار گیرد.

ج - ایجاد تغییرات اساسی در دوره‌های تدریس و محتوای آموزش در کلیه مقاطع تحصیلی به گونه‌ای که موجب ایجاد خلاقیت و نوآوری در فراگیران شود.

د - تشکیل گروه‌های تحقیقاتی جهت بررسی تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده پیرامون کارآفرینی به ویژه در دهه اخیر.

ه - تشخیص ویژگی‌های کارآفرینان و اینکه چه افرادی باید تحت آموزش کارآفرینی در حوزه‌های تخصصی قرار بگیرند و تعیین مسئولیت حمایت از کارآفرینان معین گردد.

و - با توجه به اینکه کارآفرینی موتور تغییر در تعادل اقتصادی است، باید توسعه نوآوری، و تأثیر سریع و مؤثر آن در بازار بررسی شود.

ز - دولت و بالاخص آموزش عالی باید تلاش نمایند تا با حداکثر امکانات دستاوردهای تحقیقاتی شمار بیشتری از آحاد جامعه را در جهت کارآفرینی تشویق و هدایت نمایند.

ح - با توجه به نتایج تحقیقات سایر کشورها، رفاه انگیزه‌ای قوی برای خطرپذیری، نوآوری و تلاش در فرآیند کارآفرینی ایجاد نمی‌کند. بلکه نتایج نشان می‌دهد که میل به کارآفرینی در بین افراد به حاشیه رانده شده اقتصادی بالاتر است. لذا اصلاح چهارچوب اداری و حقوقی به گونه‌ای که حق مساوی برای افراد در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد نماید باعث توسعه کارآفرینی می‌شود.

ط - برگزاری سمینارهای تخصصی کارآفرینی.

ی - تربیت مدرسان و اساتید آموزش‌های کارآفرینی.

ک - آگاه‌سازی جامعه بالاخص محیط‌های دانشگاهی در مورد کارآفرینی، کارآفرینان و نقش آن‌ها در رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال و رفاه.

ل - یکی از مهمترین و فوری‌ترین محورهای پژوهشی در این باره این است که برای راه‌اندازی رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها مشخص شود، که چه موضوعاتی در دوره آموزش کارآفرینی باید تدریس شود. به عبارت دیگر فهرست دروس و سرفصل آن‌ها مشخص شود. دانشگاه‌ها برحسب ویژگی‌های گروه‌های مختلف آموزشی خود و نیازهای محلی و منطقه‌ای می‌باید برنامه آموزشی خاص را طراحی نمایند. بدون شک استفاده از دانشگاه‌هایی چون دانشگاه کالیفرنیا (لوس‌آنجلس) که بیش از ۱۰ رشته فعال در زمینه کارآفرینی دارد، ضروری است.

نمونه‌ای از الگوی نظری «پرورش مدیر کارآفرین» در نمودار ۱ ارائه شده است [۴].

نتیجه‌گیری

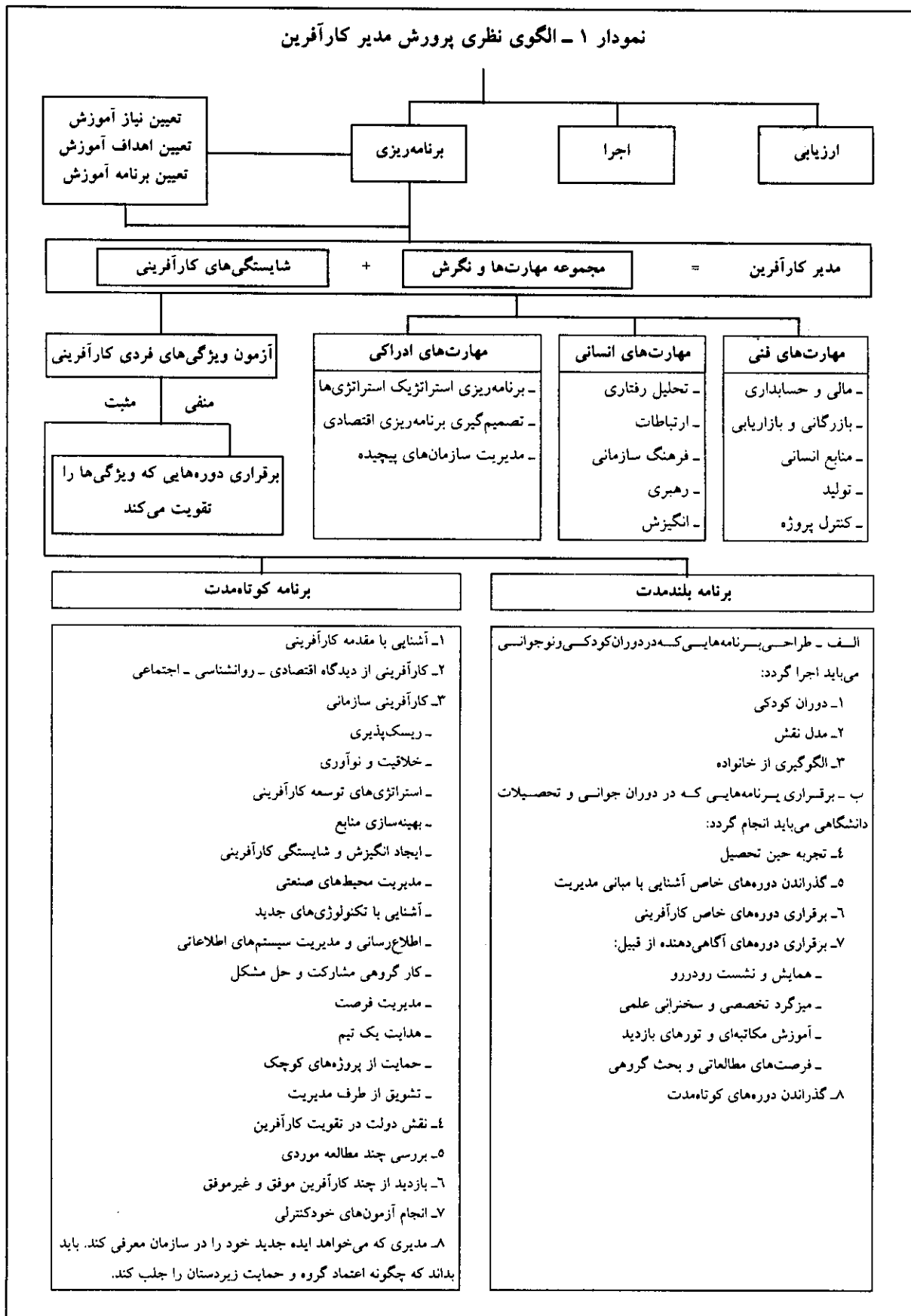
از آنجا که یکی از بزرگترین چالش‌های کشور، بحران بیکاری است و جامعه کنونی ما نیازمند ایجاد سالانه حدود ۷۵۰ هزار فرصت شغلی تازه است. وفاق ملی و برنامه‌ریزی پیرامون کارآفرینی از مهمترین عوامل برای رفع این نیاز به شمار می‌رود. و بحران بیکاری جز با توسعه کارآفرینی و میدن روح نوآوری در کالبد اجتماع امکان‌پذیر نیست.

لذا ضروری است تا علاوه بر توسعه و گسترش رویکرد تحقیقاتی کارآفرینی در مؤسسات خصوصی و دولتی نظیر وزارتخانه‌های بازرگانی، کار و امور اجتماعی، حمایت‌های مالی و اطلاعاتی از کارآفرینان، تأمین امنیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها و تقویت نظام‌های حرفه‌ای و گسترش مشاغل کوچک و... برعهده نظام آموزش عالی کشور باشد. نظام آموزش عالی بالاخص در جهت خط مشی‌ها و جهت‌گیری‌های اخیر آن در راستای تحقیقات و فن‌آوری‌رسانی مضاعف درگستره کارآفرینی بر عهده دارد.

تصویر در نحوه ارتباط جهانی موج تازه‌ای از تغییرات بنیادین در کلیه زمینه‌ها به ارمغان آورده است، بر اثر این تحولات، زندگی در ابعاد بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر از پیش به دانش و فناوری اطلاعات متکی شده است؛ مشاغل، «علم محور» گشته‌اند. لذا، برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارآفرینان از اهمیت خاصی برخوردار است.

امروزه با وجود طراحی دوره‌های آموزشی برای کارآفرینان، در کشورهای پیشرفته جهت‌گیری‌های هدفمندی به سوی کارآفرینی از همان مقاطع ابتدایی آغاز می‌گردد و در کلیه مقاطع تحصیلی سعی بر این است تا انگیزه و رغبت دانش‌آموزان برای «کارآفرین شدن» تقویت شود، لکن با توجه به شرایط کنونی جامعه ابتدا باید ایجاد شاخه‌های درسی درخصوص کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها لحاظ گردد تا آن‌ها ضمن تربیت مدرسان و اساتید آموزش‌های کارآفرینی، با برگزاری همایش‌های تخصصی و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، به بررسی موضوع کارآفرینی از دیدگاه اقتصادی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرداخته و بستر مناسبی جهت شناسایی و رشد کارآفرینان فراهم سازند.

نمودار ۱ - الگوی نظری پرورش مدیر کارآفرین



- [12]- Gibb, A. (1987). Enterprise Culture _ Its Meaning and Implications for Education and Training. Journal of European Industrial Training Vol. 11, No. 2, 38.
- [13]- Vesper, K. (1993). Entrepreneurship Education, Los Angeles: Entrepreneurial Studies Center, UCLA, No, 4.
- [14]- Paulin, W., Coffey, R. and Spaulding, M. (1982). Entrepreneurship Research: Methods & Direction, In C. Kent, D. Sexton & K. Vesper(eds). Encyclopedia of Entrepreneurship Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall, Inc., 353-373
- [15]- Churchill, N. and Lewis, V. (1986) Entrepreneurship Research: Directions and Methods, In The Art and Science of Entrepreneurship. D.Sexton & R.Smilor (eds). Cambridge, Mass. : Ballinger.
- [16]- Wortman, M. (1986). A Unified Framework, Research Typologies and Research Prospectives for the Interface Between Entrepreneurship and Small Business, In The Art and Science of Entrepreneurship, D.Sexton & R. Smilor(eds), Cambridge, Mass.: Ballinger 272-332.
- [17]- Aldrich, H. (1992) Methods In our Madness? Trends in Entrepreneurship Research, In The state of the Art of Entrepreneurship, D.Sexton, & J.Kasarda. Boston: PWS- KENT.

- 1 - Webster's New Collegiate Dictionary
- 2 - Jean Baptiste Say.
- 3 - Schumpeter, J.
- 4 - Mises, L.
- 5 - The New Austrian School.
- 6- Behavior Approach.
- 7- McClelland D.
- 8- Carland, J. W.,
- 9- Fry, F.
- 10- Vesper, K.
- 11- Gibb, A.
- 12- Vesper, K.
- 13- Paulin, M. S.
- 14- Wortman, M. S.
- 15- Churchil, N.
- 16- Lewis, V. L.
- 17- Aldrich, H.

منابع و مأخذ:

- [1]- Cochran, T. (1968). Entrepreneurship, In D.L. Sills(ed). International Encyclopedia of the Social Sciences, New York: Free Press.
- [2]- Schumpeter, J. (1934). The Theory of Economic Development. Cambridge: Harvard University Press.
- [3]- Palmer, M. (1987). The Application of Psychological Testing to Entrepreneurial Potential, In C. Baumback, & J. Mancuso(eds), Entrepreneurship and Venture Management N.J., Prentice – Hall, Inc.
- [۴]- احمدپور داریانی، محمود. «کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها» انتشارات پردیس، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- [5]- Mises, L. (1966). Human Action, Chicago, Henry Regnery Perss.
- [6]- Kirzner, I. (1982). Uncertainty, Discovery and Human Actions: A Study of the Entrepreneurial Profile in the Missian System, In Method, Process and Austrian Economics. Mass, Lexington Books.
- [۷]- تفضلی، فریدون. «تاریخ عقاید اقتصادی» از افلاطون تا دوره معاصر، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- [8]- Carland, J. W., Boulton, W. R. and Carland, J. C. (1984). Differentiating Entrepreneurs from Small Business Owners: A Conceptualization, Academy of Management Review 9, 354 - 359.
- [9]- Fry, F. (1993). Entrepreneurship: A Planning Approach, Englewood Cliffs NJ, Prentice – Hall.
- [۱۰]- علوی، سیدابوالفضل. و حدادسیزوار، محسن. «اخلاقیت و نوآوری در دانشگاهها»، چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاهها و مراکز علمی تحقیقاتی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰.
- [11]- Vesper, K. (1982). Research on Education for Entrepreneurship, "In Encyclopedia of Entrepreneurship D, Sexton, C. Kent, K. Vesper(eds)", N.J., Prentice – Hall, Inc.